

تصمیمات دادگاهها

تصمیم دیوان کشور بر عدم تأثیر

در مورد بیکه دیوان کیفر بعد از صدور دادنامه راجع با اجرای تمام کیفرهای نقدی توضیحی داده

ماده ۳ قانون مصوب دیماه ۱۳۱۷

متهم بر حسب تذکر دادستان مزبور توضیحی داده مبنی بر اینکه تمام مجازاتهای نقدی مقرر درباره متهم نامرده نیاید اجرا شود و این توضیح و اظهار نظر باماده ۳ قانون مصوب دیماه ۱۳۱۷ مخالفت دارد) اعتراض و ایراد بر اصل حکم شماره نمیرود چه این موضوع در حقیقت از متفرعات و کیفیات اجرائی اصل حکم بوده و نمیدان تکلیف طرق اجراء احکام اصولاً با دادستان دادگاه صادرکننده حکم است و اساساً از وظایف دادگاه محسوب نمیشود توضیح مزبور که بعداً داده شده تأثیری در مفاد اصل حکم نخواهد داشت و بر هر تقدیر حکم فرجام خواسته دابر به محکومیت متهم مزبور خلی از اشکال قانونی است (۰)

گایمند شرکتی بیزه دو فقره تحصیل وجه از راه تدلیس برای هر یک از دو عمل بحسب مجرد و پرداخت مبلغی دو برابر وجه مورد استفاده و برای تحصیل منافع دیگری بواسطه تدلیس در خرید جنس برای شرکت بحسب تأدیبی و پرداخت دو برابر وجه و سه بار انفصال دائم محکوم می شود بر اثر فرجام خواهی دادستان و متهم شعبه (۲) دیوان کشور در دادنامه شماره ۹۳۵ بتاريخ ۱ ر ۵ ر ۱۸ چنین رأی داده است :

(اعتراض دادستان دیوان کیفر خلاصه آنکه (دادگاه صادر کننده حکم پس از اصدار حکم بحکومیت راجع بلزوم با عدم لزوم اجرائی تمام مجازاتهای نقدی مورد محکومیت

تصمیم دیوان کشور بر استوار کردن

راجع باینکه شرکت با معارفت در قتل نیز مشمول تفسیر ماده ۲۷۹ قانون کیفر میباشد

تفسیر ماده ۲۷۹ قانون کیفر مصوب ۱۳۰۶

و ثانیاً چون قبل از وضع قانون مجازات عمومی بوده و ماده ۲۷۹ آن قانون و تفسیرش که در مورد بعضی جرائم آنرا عطف بمسابق کرده شامل این مورد که بر حسب نظر خود دادگاه معارفت در قتل بوده نمیشود وارد نیست زیرا اولاً طبق حکایت پرونده قضیه در مدتی که برای مرور زمان امر جنائی کفایت کند بلا تعقیب نمانده و ثانیاً شرکت با معارفت جرم علیحده نیست تا گفته شود که در ماده تفسیر ماده ۲۷۹ به

کسی بیزه معارفت در قتل مورد تعقیب دادسرا واقع شده و دادگاه جنائی بر طبق جزء اخیر ماده ۲۸ قانون کیفر با ملاحظه شمول قانون تفسیر ماده ۲۷۹ و رعایت ماده ۲۰ آن قانون او را بحسب با اعمال شاقه محکوم میکند - متهم فرجام خواسته - شعبه (۲) دیوان کشور در دادنامه شماره ۷۱۷ بتاريخ ۴ ر ۴ ر ۱۸ چنین رأی داده است :

(اعتراض فرجام خواه باینکه بر فرض صدور عمل استانی اولاً مشمول مرور زمان و از قابلیت تعقیب خارج شده

برای مرتکب آن تعیین شود بموجب قانون شریک و معارن هم تعقیب و مجزات میشوند و اگر قانون راجع بجرمی نسخ شود مجرمیت شریک و معارن هم بموجب همان قانون ازین می رود (۰)

قائلین تعبیر شده و نامی از شریک یا معاون در قتل برده نشده بلکه اینها کیفیاتی هستند برای تسبیب حادثه و از این جهت اگر قانون مبنی بر جرم بودن عملی وضع و مجازاتی

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در موردیکه دادگاه جرح و قتل در اثناء منازعه را مشمول ماده ۱۷۵ مکرر دانسته

ماده ۱۷۵ و ۱۷۵ مکرر قانون کیفر

عمل متهمین بطوریکه در نظر دادگاه محرز گردیده با ماده ۱۷۵ اصلی قانون مجازات عمومی تطبیق مینماید چه آنکه در نظر دادگاه محرز گردیده که بواسطه هجوم دسته اکثریت بین آنها با اقلیت نزاع واقع شده و عده از طرفین مجروح و مقتول شده اند و این عمل تطبیق عمل متهمین با ماده ۱۷۵ مکرر قانون مجزات عمومی برخلاف قانون بوده است و چون این اشتباه در تعیین مجزات مؤثر است حکم فرجام خواسته نسبت بتمام محکومین باتفاق آراء نقض میشود (۰۰۰)

چند نفر باتهام حمله و هجوم و ایراد جرح منتهی به فوت مورد تعقیب دادسرای شهرستان واقع شده و در دادگاه جنائی یکی از آنها را برای کشته شدن بکنفر طبق ماده ۱۷۵ مکرر قانون کیفر بحبس با اعمال شاقه و بعضی را برای جرح منتهی بفوت یکی دیگر طبق ماده مزبور و رعایت ماده ۴۴ آن قانون بحبس تأدیبی محکوم میکنند و قیبه نبرته میشوند - محکومین فرجام خواسته اند شعبه (۵) دیوان کشور در دادنامه شماره ۸۵۲ بتاریخ ۱۴/۱۸/۳۵ چنین رأی داده است:

تصمیم دیوان کشور بر استوار کردن

در مورد تقلب در فروش جنس بوسیله فریب مشتری

(بندب) ماده ۲۴۴ اصلاحی قانون کیفر

پشم و فریب دهنده شرکت تشخیص داده دیگر مشارالیه را که فروشنده باو بوده نمیتوان فریب دهنده نسبت به متهم اصلی قرار داده تا عمل با ماده ۲۴۴ قانون مجازات عمومی تطبیق شود •

۲ - محکومیت او از جهت معاونت بامتهم اصلی مورد ندارد چه با فرض آنکه معاونتی کرده باشد برای رسیدن بحق خود بوده و مطابق ماده ۱۴۳ قانون مجازات عمومی معاف خواهد بود •

کسی در دیوان کیفر برای معاونت در تحصیل وجه از راه تدلیس طبق مواد ۲۸ و ۲۹ و ۱۵۳ قانون کیفر و جزء یک ماده ۲ قانون کیفر مختلسین بششماه حبس تأدیبی و برای تقلب در فروش پشم بشرکت بوسیله فریب طبق بندب ماده ۲۴۴ قانون کیفر با توجه بماده ۲ الحاقی و رعایت تخفیف بیک ماه حبس تأدیبی محکوم میشود - از این دادنامه فرجام خواسته شعبه (۲) دیوان کشور در دادنامه شماره ۹۳۵ بتاریخ ۱۸/۵/۳۵ چنین رأی داده است:

هیچیک وارد نیست زیرا واسطت متهم اصلی در خرید پشم و تشخیص تدلیس او در معامله موجب نمیشود که فرجامخواه

(اعتراضهای متهم خلاصه بشرح زیر: - باینکه دادگاه متهم اصلی را واسطه خرید در فروش

در معامله پشم با فرض تقلب فریب دهنده شرکت بشمار نرود چه طرف حقیقی معامله شرکت بوده منتهی به وساطت متمم اصلی و با فرض وقوع تقلب بر هر تقدیر عمل فروشنده باماده استنادی دادگاه انطباق دارد و ماده ۱۴۳

قانون مجزات عمومی راجع بدادن رشوه است و هیچ وجه با عمل مورد حکم (معاونت فرجامخواه بامتهم اصلی در تحصیل انتفاع از معامله برای شرکت بطور تدلیس) ارتباطی ندارد

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در موردی که دادگاه (باستناد اینکه محکوم له حق مطالبه دستمزد وکیل را بدون اخراج پرداخت آن

ندارد) او را بیحق دانسته

ماده ۳۳ قانون تسریع

کسی در دادگاه شهرستان محکوم میشود که مبلغی به عنوان خسارت حق الوکاله در حق محکوم له پرداخت - از این دادنامه پژوهش خواسته - دادگاه استان چنین رأی میدهد (محکوم له طبق ماده ۳۳ و ۳۸ قانون تسریع و اصولاً حق دارد زیرا باینکه در نتیجه اقامه دعوی بابت هزینه دادخواهی و حق الوکاله و غیره بار متوجه شده در حدود قانون از محکوم علیه مطالبه نماید اثبات زیان بردن و توجه خسارت اصولاً و طبق ماده ۶۳ قانون تسریع بعهده مدعی و مطالبه کننده خسارت است صرف داشتن وکیل در محاکمه مثبت زیان بردن محکوم له و توجه خسارت باو بابت حق الوکاله نیست و عنوان اینکه وکیل بدون اجرت مداخله در کار نمیکند با معرزشدن و دلیل نداشتن امتناع وقوع و قبول وکالت بدون اجرت کافی برای تحقق توجه خسارت بابت حق الوکاله نیست تعرفه وزارتتی هم میزان و درجه مبلغی که ممکن است محکوم علیه بابت خسارت حق الوکاله پرداخت آن در حق محکوم له محکوم شود معین مینماید و از این قرار است راجع باین قسمت دلیل مستندی برای ملزم بودن محکوم علیه به پرداخت خسارت حق الوکاله بصرف داشتن وکیل هر چند توجه زیان محکوم له بابت حق الوکاله معررز و مسلم نشده باشد استفاده نمیگردد - بنابراین مزبوره چون از طرف مدعی دلیل و مستندی برای اثبات اینکه وجهی بوکیل داده و از آن جهت

زیان بردن و خسارت کشیده ابراز نشده با اینکه اثبات این عنوان بعهده او بوده حقانیت مشارالیه در مطالبه خسارت بابت حق الوکاله ثابت نیست (۰۰۰) - بر اثر فرجام خواهی محکوم علیه شعبه (۳) دیوان کشور در دادنامه شماره ۹۳۴ بتاریخ ۱۸ ر ۴۶ ر ۱۸ چنین رأی داده است :
استدلال دادگاه استان بخلاصه اینکه صرف داشتن وکیل در محاکمه مثبت زیان بردن محکوم له و توجه خسارت باو بابت حق الوکاله نیست و اینکه بدون احرار نادیده حق الوکاله از طرف فرجامخواه بوکیل خود حق مطالبه آنرا بعنوان زیان از فرجام خواننده ندارد بنظر خالی از اشکال قانونی نمیباشد چه با مسلم بودن اینکه فرجامخواه در محاکمه اصلی وکیل داشته اصولاً وکیل مزبور ذبحق در مطالبه حق الوکاله و با اجرت المثل از مشارالیه میبایست و بصریح ماده ۳۳ قانون تسریع محاکمات مدعی یا مدعی علیه حق مطالبه خسارت حق الوکاله را که داده و یا باید بدهند دارا هستند و در این مورد نیز بر فرض فرجام خواه حق الوکاله وکیل را نداده باشد مشارالیه قانوناً حق مطالبه آنرا خواهد داشت و دلیلی هم که این حق ساقط شده باشد ارائه نگردیده بنابراین اعتراض فرجامخواه بحکم فرجام خواسته وارد و حکم مزبور مخالف قانون صادر شده و با استناد بماده ۳۴۰ قانون اصول محاکمات آزمایش بانفاق آراء نقض میشود ۰۰۰

تصمیم دیوان کشور بر استوار کردن

- ۱- راجع باینکه تشخیص تکمیل تحقیقات نظر دادگاه است
 - ۲- راجع باینکه اظهار متهمی درباره متهم دیگر گواهی قانونی نیست تا محتاج تشریفاتی باشد
- ماده ۸ مقررات راجع بطرز رسیدگی در دیوان کیفر و ماده ۳۸۴ آیین دادرسی کیفری

استنادی دادگاه تطبیق نمود

۵- دادگاه اظهارات متهمین دیگر را مستند و مبنای حکم متهم قرار داده و اظهارات آنها نسبت به مشار لیه گواهی محسوب میشود و طبق ماده ۳۸۴ اصول محاکمات جزائی اظهارات آنها میبایست يك يك و بتنهائی در دادگاه شنیده شود و باین ترتیب عمل نشده است.

هیچیک از این اعتراضها وارد و موجه نیست زیرا تشخیص نوع هر يك از پشمها و قیمت آن بدون رجوع به کارشناس ممکن بوده و این قبیل تشخیصات از اموری بشمار نمیرود که همه وقت در هر مورد محتاج بکسب نظر کارشناس باشد. برای احراز توجه ضرر بشارکت همان محرز شدن خریداری پشمها زاید بر قیمت مقضی و نفع بردن شخص نیک کافی است. تشخیص لزوم تکمیل تحقیقات و کامل بودن آن طبق مستفاد از ماده ۸ مقررات راجع بطرز رسیدگی در دیوان جزا مصوب آذر ۳۰۸ و مواد مربوطه دیگر بنظر دادگاه صادر کننده حکم بوده که در این مورد مطابق قرار صادر در جلسه مقدماتی دادگاه نقضی مشاهده نکرده. سمت تخصص منعم در شرکت منافات با واسطه بودن او در خرید و فروش ندارد. استناد باظهار متهمی در باره متهم دیگر شهادت بمعنی مصطلح قانون محسوب نمیشود تا رعایت دستور مقرر در ماده ۳۸۴ اصول محاکمات جزائی در این مورد لازم فرض شود بلکه اظهار متهمی در باره متهم دیگر از جمله قرائن و معلوماتی بشمار میرود که دادگاه میتواند بدون رعایت مقررات راجعه بشهادت شهود آنها را نیز جزء دلایل و مبنای حکم خود قرار بدهد

کارمند شرکتی بیزه اینکه موقع خرید پشم برای شرکت چند فقره وجه از راه تدلیس برای خود تحصیل کرده مورد تعقیب دادرسی دیوان کیفر واقع و در دیوان مزبور طبق ماده ۱۵۳ قانون کیفر و شق ۲ از ماده ۲ قانون کیفر مختلسین با توجه بماده ۲ الحاقی و ۴۵ مکرر بحبس مجرد و پرداخت دو برابر وجه و انفصال ابد محکوم میشود. از این دادنامه فرجام خواسته شعبه (۲) دیوان کشور در دادنامه شماره ۹۳۵ بتاریخ ۱۸/۵/۱۸۵۱ چنین رأی داده است: (اعتراض های وکیل متهم خلاصه و بالتسبیح عبارت است از:

۱- تشخیص نوع پشمهای موضوع اتهام از لحاظ پائیزه یا بهاره بودن آنها رجعات دیگر و تعیین قیمت هر يك از اقسام آن محتاج بکسب نظر کارشناس بوده و این معنی را نه بازپرس و نه دادگاه رعایت کرده و از این جهت رسیدگی ناقص و حکم مخالف اصول محسوب میشود.

۲- تطبیق عمل بماده ۱۵۳ قانون مجازات عمومی منوط است بحصول ضرر برای مدعی خصوصی (شرکت پشم) این امر مورد رسیدگی واقع نشده و محرز نگردیده بلکه هرگاه بطوریکه از دادگاه درخواست نموده بدفاتر شرکت مراجعه میشد معلوم میگردد که در معاملات پشم ضرری متوجه نشده است.

۳- از طرف متهم درخواست تکمیل تحقیقات شده دادگاه در جلسه مقدماتی ترتیب اثر بآن نداده است.

۴- متهم فقط متخصص شرکت بوده نه واسطه خرید و فروش بنابراین عمل منتسب با او نمیتوان بماده ۱۵۳

تصمیم دیوان کشور بر استوار کردن

در مورد مطالبه مهر المسمی و مهر المثل بطور تردید

نیامده و اصولاً بایستی خواسته بطور منجز خواسته شده باشد و مطالبه مهر المسمی و یا مهر المثل بطور تردید صحیح نبوده و ارائه رونوشت قرار با در نظر گرفتن مفاد مادین ۳۰۳ و ۴۸ قانون اصول آرمایش موقعیت نداشته لذا اعتراض بدادنامه مورد پژوهش وارد نبوده و دادنامه مزبوره تأیید میشود) - یکی از خواهانها در خواست رسیدگی فرجامی کرده - شعبه ۴ دیوان کشور در دادنامه شماره ۸۷۳ بتاریخ ۲۱/۴/۱۸۰۴ چنین رای داده است:

(هر چند استناد دادگاه استان باینکه مطالبه مهر المسمی و یا مهر المثل بطور تردید صحیح نبوده مخدوش است بجهت اینکه مورد مطالبه داد خوانده در خواست بدوی مهر المسمی است و اظهار داشته است که در صورت عدم ابراز قبالة نکاحیه ممکن است رجوع به مهر المثل شود و این نحو دعوی را نمی توان مردود و غیر قابل قبول دانست لیکن چون ادله دیگر که بانها استناد شده برای حکم کافی است و خدشه در دلیل مذکور تأثیر در نقض حکم ندارد و اعتراضات دیگر فرجام خواه تکرار مطالبی است که در مراحل ماهیتی اظهار و وجهاً مردود گردیده و از حیث رعایت قانون و اصول محاکمه اشکالی که موجب نقض باشد بنظر نمیرسد لذا حکم مزبور باقی آراء مبرم است)

دو نفر بخواسته اثابیه و صداقیه در دادگاه شهرستان برکسی اقامه دعوی نموده و محکوم به بیحقی میشوند و کیل خواهانها پژوهش خواسته - دادگاه استان چنین رای داده است (خلاصه اعتراض و کیل خواهانها در مرحله پژوهش عبارت است از بطلان صلحنامه ادعائیه خوانده بدوی و اینکه در قسمت تاریخ کاحظهار عقیده از طرف دادرسی دادگاه شهرستان باعتبار نوشته منسوبه بآقای... بيمورد بوده و با وجود مسلم بودن زوجیت زوج مسئول تادیه صداقیه بوده که باید مقدار آنرا صحیحاً مدلل داشته و یا از عهده مهر المثل برآید و نیز و کیل مزبور در خلال رسیدگی دادرسی پژوهش نوشته بکطوری قرار دادگاه استان... را نتیجه مشعر بر اصالت مصالحه نامه که بموجب آن مدعیه مایملک خود را به برادر خود (خواهان دیگر) منتقل نموده بوده و قرار مذکور در اثر داد خواهی خوانده با کس دیگر صادر گردیده بدادگاه تقدیم داشته و بان استناد جسته چون اصالت صلحنامه استنادی خوانده و همچنین خطابیه استنادی او در مرحله نخستین ثابت گردیده و دو فقره نوشته استنادی و کیل خواهانها در مرحله مزبوره بشرح مذکور بالا دلالتی بر بهم خوردن مصالحه مورد استناد خوانده نسبت باثابیه و صداقیه ندارد و در مرحله نخستین خوانده صداقیه را مشمول مصالحه نامه استنادیه خود معرفی کرده بوده و دفاع در این قسمت بعمل